

شایستگی‌های مورد نیاز معلمان در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان*

- جواد آقا محمده^۱
□ سید احسن اسدی^۲

چکیده

در فرایند تربیت، مربیان که به لحاظ کسب شایستگی‌های فردی و جمعی و وصول به مرتبه شایسته‌ای از حیات طیبه مسؤولیت کمک به هدایت متربیان را به عهده گرفته‌اند، نقش اصلی را در طراحی و انجام تدابیر و اقدامات زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان به عهده دارند و گام نخست و محوری در این فرایند را با فراهم آوردن شایسته مقتضیات رشد متربیان و رفع و دفع موانع آن برمی‌دارند. این مقاله با هدف بررسی شایستگی‌ها و صلاحیت‌های مورد نیاز معلمان در تربیت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان مبتنی بر آموزه‌های اسلامی تدوین شده است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی است. از منابع و متون کتابخانه‌ای جهت گردآوری و بررسی اطلاعات

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۳۰.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، آموزش و پرورش کردستان

Javadam59@gmail.com

۲. کارشناس ارشد آموزش بزرگسالان دانشگاه تهران - مدرس دانشگاه فرهنگیان سنندج

Ahsan-asadi58@yahoo.com

استفاده شده است. مبنای نظری تحقیق حاضر، آموزه‌های اسلامی و متون و منابع معتبر بوده است. یافته‌های تحقیق حاضر در زمینه کسب شایستگی‌ها مورد نیاز معلمان در تربیت سیاسی و اجتماعی که مستخرج از متون معتبر و اسناد ارزش‌مندی همچون قرآن کریم و نهج‌البلاغه بوده است، عبارتند از: داشتن تربیت اخلاقی و ایمانی، مسؤولیت‌پذیری، عدالت‌تربیتی، داشتن بصیرت و آینده‌نگری، ظلم‌ستیزی و نفی استکبار، آراستگی باطنی و ظاهری، اعتدال و میانه‌روی و قانون‌مندی و پرهیز از خودمحوری و قانون‌گریزی. **واژگان کلیدی:** شایستگی، تربیت اسلامی، تربیت سیاسی و اجتماعی، معلمان، دانش‌آموزان، آموزه‌های اسلامی.

۱. مقدمه و طرح مسأله

آموزش و پرورش هر کشور، آینه تمام‌نمای فرهنگ، ارزش‌ها و میراث تربیتی آن کشور تلقی می‌گردد و شاخص عمده و برجسته یک نظام تعلیم و تربیت، میزان دست‌یابی به آرمان‌های بلند و اهداف متعالی فرهنگ خود می‌باشد. بنابر این هدف عالی و غایی نظام تعلیم و تربیت یک کشور قبل از هر چیز بر تربیت انسان‌هایی است که در شکل‌دهی و تحقق بخشی این اهداف، مشارکتی فعال و خلاق داشته باشند (شریفی، ۱۳۹۴). هدف عالی نظام آموزش و پرورش ایران نیز با تکیه عمده بر مکتب اسلام و معارف غنی فرهنگ آن ناظر بر رشد همه‌جانبه ابعاد شخصیت انسان است و نظام برنامه‌ریزی و اجرایی آموزش و پرورش کشور باید به گونه‌ای باشد که با توجه به منابع مهم مادی و معنوی جامعه و با بهره‌گیری از شیوه‌ها و راهبردهای مؤثر و کارآمد، در تربیت نسلی بکوشد که اعتقاد به مبانی دین اسلام، عمل نمودن به احکام و آداب الهی و برخورداری از سجایا و فضایل اخلاقی، سرلوحه همه فعالیت‌ها و سرفصل تمامی رفتارهای فردی و اجتماعی آن نسل قرار گیرد.

بدون تردید، تحقق چنین آرمان بلندی، متضمن بسیج امکانات مناسب، عوامل مستعد و شرایط مناسبی می‌باشد که بتوان بین شعارها و آرمان‌ها از یک سو و اجرای آنها از سوی دیگر قرابت و نزدیکی فراهم آورد (کریمی، ۱۳۸۸). کسب

صلاحیت اجتماعی و سیاسی لازمه زندگی در جامعه امروز است و تربیت انسان‌های شایسته در این زمینه یکی از اهداف مهم آموزش و پرورش هر کشوری است. توانایی‌هایی مانند درک دیگران، رعایت مقررات، عدم تعارض به حقوق دیگران، برقراری حق و عدالت، حفظ نظم در جامعه، آشنایی با حقوق و هنجارهای اجتماعی، بررسی نظام‌های مختلف حکومتی و در نهایت درک فلسفه اجتماعی و سیاسی جامعه، از شرایط لازم برای کسب صلاحیت زیستن موفقیت‌آمیز در جامعه است (نادری و ابراهیمی، ۱۳۹۱). در فرایند تربیت، مریان که به لحاظ کسب شایستگی‌های فردی و جمعی و وصول به مرتبه شایسته‌ای از حیات طیبه مسؤولیت کمک به هدایت متریان را به عهده گرفته‌اند، نقش اصلی را در طراحی و انجام تدابیر و اقدامات زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریان به عهده دارند و گام نخست و محوری در این فرایند را با فراهم آوردن شایسته مقتضیات رشد متریان و رفع و دفع موانع آن برمی‌دارند (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

معلم‌ان از نظر اجتماعی، در تمامی کشورها، به دلیل نوع شغل، از موقعیت و جایگاه خوبی برخوردارند و معمولاً تمامی اقشار جامعه برای معلم‌ان ارزش و احترام خاصی قائل می‌باشند. معلم‌ان از لحاظ فردی مورد احترام عموم و خصوصاً شاگردان خود می‌باشند و نقش آنها به عنوان انتقال فرهنگ، تبیین کننده ارزش‌ها و تثبیت کننده عقاید امری پذیرفتنی و غیرقابل اغماض است (منصوری، ۱۳۷۷). با این تفاسیر، در این بین نقش و جایگاه معلم‌ان از همه عوامل موجود در محیط آموزشی و پرورشی مهم‌تر و حساس‌تر است و با جرأت می‌توان گفت که معلم‌ان مسؤولیت بخش عظیمی از مقدرات و عواملی هستند که در آینده در کشور اتفاق خواهد افتاد. بنابر این، مقاله حاضر با اهمیت و ضرورت بر این مسأله مهم و حیاتی نگاشته شده است و تعیین شایستگی‌های مورد نیاز معلم‌ان در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان مبتنی بر آموزه‌های

اسلامی را مهم‌ترین هدف خود قرار داده است.

۲. روش‌شناسی تحقیق

هدف مقاله حاضر، بررسی شایستگی‌های مورد نیاز معلمان در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. از این رو روش تحقیق مقاله حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است و از منابع و متون کتابخانه‌ای جهت گردآوری اطلاعات استفاده شده است. مبنای نظری مقاله حاضر، آموزه‌های اسلامی می‌باشد. با توجه به هدف و ماهیت موضوع، سؤال ذیل مطرح می‌شود و با استفاده از منابع و متون در دسترس در صدد پاسخ‌گویی به آن برخوایم آمد.

شایستگی‌های مورد نیاز معلمان در تربیت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان براساس آموزه‌های اسلامی کدامند؟

۳. مبانی نظری: مفاهیم و کلیات

۱-۳. شایستگی و صلاحیت

کلمه شایستگی و صلاحیت^۱ به طور معمول در منابع روان‌شناسی به توانایی افراد جهت پاسخ‌گویی به مطالبات عمده و مهم محیطی تعریف شده است. صلاحیت در لغت به عنوان درخور، سزاوار، کفایت‌کننده، قابل پذیرش، توانا و دارنده آمادگی کافی برای وارد شدن به حرفه خاص مطرح شده است و ارتباط مستقیمی با داشتن گواهی در آن حرفه دارد (معین، ۱۳۶۴). فرهنگ آکسفورد، صلاحیت را به عنوان «قدرت، توانایی و ظرفیت انجام دادن یک وظیفه» تعریف کرده است (آکسفورد دیکشنری، ۲۰۰۵). بویاتزیس اصطلاح صلاحیت را در معنای جمع آن یعنی صلاحیت‌ها به کار گرفت و آن را به عنوان ویژگی‌های اساسی یک فرد که با عملکرد عالی یا اثربخشی در یک شغل مربوط بوده، توصیف می‌کند. در طول زمان، رویکردهای مبتنی بر صلاحیت به ابزاری اساسی و حیاتی در کارکردهای سازمانی، همچون برنامه‌ریزی نیروی انسانی، برنامه‌ریزی

جانشینی و ارزیابی عملکرد تبدیل شدند. پس از طرح صلاحیت مک کلند^۲، بویاتزیس^۳ این اصطلاح را متداول و مشهور کرد و سپس وودروف^۴ در سال ۱۹۹۱، صلاحیت را ترکیبی از انگیزه، خصیصه، مهارت، خودپنداری، نقش اجتماعی و دانش مطرح کرد که این خود، مجالی را برای بحث و مناظره درباره صلاحیت‌ها به وجود آورد (بویاتزیس، ۲۰۰۹). به طور کلی، در هر زمینه، مجموعه صلاحیت‌ها و شایستگی‌های اصلی پذیرفته شده‌ای وجود دارد که می‌تواند مبین موفقیت در یک حرفه یا شغل باشند. صلاحیت‌ها اغلب به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف - صلاحیت‌های حوزه عمومی؛

ب - صلاحیت‌های حوزه تخصصی.

شایستگی‌های حوزه عمومی؛ عبارت از شایستگی‌هایی که صرف نظر از کارکرد یا سطح برای همه کارکنان ضروری و حیاتی است.

شایستگی‌های حوزه تخصصی؛ شایستگی‌های خاصی است که برای انجام هر شغلی در سازمان، در فضای کاری معین فنی یا عملکردی ضروری می‌باشد. در عبارتی می‌توان بیان کرد که صلاحیت‌های تخصصی می‌توانند فقط برای بعضی از مشاغل به کار روند. در بعضی مواقع می‌توان صلاحیت‌های پایه را هم به این تقسیم‌بندی اضافه نمود که شامل گسترش ظرفیت‌هایی است که یادگیری و کسب دانش در حوزه کاری را سرعت می‌بخشد و امور مربوطه را تسهیل می‌نماید.

۲-۳. تربیت اسلامی

برخی از دانشمندان تربیت را تبدیل قوه‌ها به فضیلت دانسته‌اند و عده‌ای دیگر تربیت را عبارت از استخراج نیروها و استعدادهای درونی انسان می‌دانند (رشیدپور، ۱۳۷۰، ص ۱۲). *حجتی در کتاب اسلام و تعلیم و تربیت، تربیت را*

تنظیم قوای بشری می‌داند که حسن رفتار او را در جنبه‌های مادی و معنوی زندگی ضمانت می‌کند (حجتی، ۱۳۶۸). در هر صورت تربیت در جریان زندگی انسان نقش مهم و اساسی دارد؛ هر کسی به نحوی از آن برخوردار است و کم و بیش از ویژگی‌های آن آگاهی دارد. از این رو، این مفهوم همیشه مورد توجه اکثر دانشمندان، فیلسوفان، روشنفکران، مصلحان اجتماعی و حتی شعرا و نویسندگان بوده است و هر گروه از آنها از روی تجربیات خود درباره ماهیت، نقش و اهمیت آن به بحث پرداخته‌اند. در واقع هر یک از آنها به جنبه خاصی از تربیت توجه کرده‌اند؛ و در تبیین همان جنبه خاص نتیجه گرفته‌اند که تربیت همان است که آنها می‌گویند، اما باید توجه کرد که تعریف جامع و مانع از تربیت به دلیل گسترده بودن آن کاری بسیار مشکل است. تربیت اسلامی، هم در معنای عام و هم در معنای خاص آن جهت الهی دارد و به تمام عوامل مؤثر در اندیشه، رفتار، جسم و روح انسان توجه دارد. تربیت از دیدگاه اسلام، عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل رشد و تکامل همه جانبه انسان و هدایت مسیر تکاملی او به سوی وجود کامل مطلق با برنامه‌ای منظم و سنجیده مبتنی بر اصول و محتوای از پیش معین شده (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۶). تربیت اسلامی یعنی رفتار مطلوب اسلامی را جانشین رفتار موجود کردن (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۶). تربیت دینی به تعبیری فراهم کردن فرصت‌های طبیعی و درونیاب است تا افراد خود با تجربه شخصی و الهام از فطرت خویش، بارقه تعالی بخش دین را کشف نمایند. ایمان دینی به منزله تعلق خاطر مطلق، فعلی است که برخاسته از شخصیت آدمی و در کانون معرفت قلبی و شهودی روی می‌دهد و تمامی اجزاء آن را دربر می‌گیرد (فقیرپور، ۱۳۸۹). با این اوصاف تربیت دینی آن هم در دین اسلام عبارت است از ایجاد رفتار مطلوب در فرد که منبعث از قرآن کریم، احادیث و روایات که در آن ضمن خودشناسی به خداشناسی رسیده باشد و در جهت تحصیل علم و معرفت و فضایل اخلاقی و دستورات دین کوشش نماید.

۳-۳. تربیت سیاسی

واژه سیاست از ریشه ساس - یسوس به معنای حکم راندن بر رعیت، اداره کردن حکومت و پرداختن به امور مردم معنا شده است. سیاست به منزله کوششی برای کسب قدرت، مطالعه دولت، مدیریت و تصمیم گیری، رهبری صلح آمیز یا غیر صلح آمیز روابط میان افراد، گروه‌ها و احزاب و کارهای حکومتی در داخل یک کشور و روابط میان یک دولت با دولت‌های دیگر در عرصه جهانی، مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسان‌ها در مسیر حیات معقول تعریف شده است (سلحشوری و همکاران، ۱۳۹۱). تربیت سیاسی به معنای فرایند مستمر یادگیری که به وسیله آن افراد با نظام سیاسی، و نقش‌های سیاسی خود در جامعه آشنا می‌شوند و با هدف شکل دادن به افکار، نگرش‌ها و رفتارهای افراد در قالب‌های سیاسی مورد نظر تا بتوانند ارزش‌های نظام سیاسی را جذب و خود را با آنها منطبق سازند (رهنما و همکاران، ۱۳۸۷). تربیت سیاسی فرایند مداخله‌گری و خلاق افراد در امور است که موجب شکوفایی اندیشه و تقویت مهارت‌های تصمیم‌گیری و اراده اجتماعی آنان گردد؛ به نحوی که هر یک بتوانند آزادانه اما متعهدانه سرنوشت خود را رقم بزنند (کریمی، ۱۳۸۸). از نظر سول^۵ تربیت سیاسی فرایندی است که ناظر بر تغییر نگرش‌های سیاسی دانش‌آموزان و افزایش مهارت‌های مشارکتی و قابلیت‌های اجتماعی و ارزش‌گذاری آنها نسبت به حقوق سایر شهروندان می‌باشد (امینی و همکاران، ۱۳۸۸). همان گونه که مشاهده می‌شود، حفظ اتحاد و همبستگی و با هم بودن و در کنار هم بودن مهم‌ترین اهداف تربیت سیاسی به شمار می‌آید. اینک به بررسی رویکردهای مختلف در رابطه با تربیت سیاسی به طور اجمالی خواهیم پرداخت:

رویکرد محافظه‌کاری^۶: نظریه محافظه‌کاری، در تربیت سیاسی مدافع وضع موجود است و سعی می‌کند با رام کردن زمان حال، آینده رام شده را نیز پدید آورد (فریره، ۱۳۸۵). از این منظر تعلیم و تربیت در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی

نقش عمده‌ای در کنترل اجتماعی و حفظ وضع موجود ایفا می‌کند. سیلبرمن^۷، از طرفداران این رویکرد، بیان می‌دارد که مهم‌ترین دغدغه آموزش و پرورش باید ایجاد نظم و کنترل اجتماعی باشد (سیلبرمن، ۱۹۷۱).

رویکرد انتقادی^۸: طرفداران دیدگاه انتقادی تعلیم و تربیت را وسیله‌ای برای مهار فرهنگی و سیاسی نسل نو می‌دانند و معتقدند باید از قفس آهنین آن فراتر رفت (اسکارتی^۹، ۱۹۹۸). این جهت‌گیری که مدافع نوعی تربیت آگاهانه و انقلابی است، ریشه در اندیشه‌های مارکسیسم دارد.

رویکرد دموکراتیک^{۱۰}: در نظریه دموکراتیک در تربیت سیاسی آموزش و پرورش علاوه بر این که جهت‌گیری محافظه کارانه دارد، در عین حال به دنبال تربیت شهروندانی مستقل و انتقادی نیز هست. دیوئی^{۱۱} از حامیان اصلی این نظریه است (دیوئی، ۱۹۶۰). براساس این دیدگاه، شهروند در نظام دموکراسی باید از آگاهی سیاسی بالایی برخوردار باشد و به نقد واقعیت‌های سیاسی بپردازد.

رویکرد پست مدرن^{۱۲}: تعلیم و تربیت از دیدگاه پست مدرن علاوه بر آن که بر افق‌های وسیع‌تر معرفتی و انسان‌شناختی، جهان‌شناختی و جامعه‌شناختی تأکید می‌کند، مایه‌های انتقادی و دموکراتیک نیز دارد (سلاتری^{۱۳}، ۱۹۹۵). انتقاد همه جانبه پست مدرن از دوران مدرنیتیه و همه عناصر فرهنگی، اجتماعی و آموزشی آن بیان‌گر مایه‌های انتقادی این نظریه است. تأکید بر عدالت، آزادسازی و احساس هم‌دردی نیز مایه‌های انتقادی دارد و تکیه بر تکثرگرایی فرهنگی، برابری، رشد و تحول و اجتناب از استیلای فرهنگی خاص نیز از مایه‌های دموکراتیک آن است (باقری، ۱۳۷۵). گرچه هر کدام از رویکردهای فوق از زوایای خاصی به موضوع نگریسته‌اند، اما هیچ کدام از آنها به تنهایی نمی‌توانند نسخه کاملی برای تعلیم و تربیت بیچند.

۴-۳. تربیت اجتماعی

باید توجه داشت که تربیت دارای ابعاد و جلوه‌های مختلفی است که یکی از مهم‌ترین آن تربیت اجتماعی است، زیرا طبیعت خلقت انسان به گونه‌ای است که به زندگی با دیگران گرایش و نیاز دارد و تکامل شخصیت وی بسته به حضور و نقش‌آفرینی او در اجتماع است. درک این ضرورت و نیاز به تربیت فرد برای زندگی و حضور اجتماعی امری بدیهی است، زیرا اگر برای امر مذکور تربیت محقق نگردد، بروز مشکلات فراوان برای خود فرد و حتی جامعه دور از انتظار نخواهد بود. پس هدف در تربیت اجتماعی این است که کودک برای زندگی با دیگران و در اجتماع آماده شود، اما این آمادگی برای زندگی جمعی، گستره وسیعی از تلاش مربیان را می‌طلبد (رمضانی و حیدری، ۱۳۹۱). مقصود از تربیت اجتماعی، پرورش جنبه‌هایی از رفتار آدمی است که به زندگی او در میان جامعه مربوط است تا از این طریق به بهترین شکل، حقوق و وظایف و مسؤولیت‌های خود را نسبت به دیگر هم‌نوعان و هم‌کیشان و هم‌مسلمان خود بشناسد و آگاهانه و با عشق برای عمل به آن وظایف و مسؤولیت‌ها اقدام کند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷). تربیت اجتماعی، جریانی است که طی آن نظام تربیتی حاکم بر جامعه هنجارها، مهارت‌ها، الگوها، انگیزه‌ها، طرز رفتارها، قواعد مورد نیاز افراد جامعه و روابط هر فرد را شکل می‌دهد، تا افراد بتوانند براساس آموخته‌های خود، ایفای نقش نمایند (کارتلج و میلبرن، ۱۳۶۹). به عقیده افلاطون تربیت جریانی اجتماعی بوده و هدف آن تغییر و اصلاح ساختار جامعه و شکوفایی استعدادهای درونی فرد می‌باشد که این امر نیازمند رشد عقلانی و اخلاقی و ایجاد تعادل در نفس است، لذا افلاطون تربیت را شکوفا شدن استعدادها و ایجاد عادات مطلوب در فرد می‌داند (روحانی، ۱۳۶۰). برای علمای تربیت روشن است که مدرسه یک نهاد اجتماعی است که در تکوین شخصیت اجتماعی فرد بسیار مؤثر است، زیرا به وسیله آن است که کودک و نوجوان راه و رسم زندگی و طرز معاشرت با

دیگران را یاد می‌گیرد و نیز مدرسه است که چگونگی انجام دادن یک عده کارهای معین و کیفیت همکاری یا رقابت با دیگران را به فرد می‌آموزد. کولی معتقد است که مدرسه عامل اجتماعی کردن فرد و آموختن محبت، همدلی، وفاداری و همکاری با دیگران است. اگر تربیت اجتماعی را یکی از لوازم ضروری زندگی اجتماعی و جریان جامعه‌پذیری فرد بدانیم، در این خصوص نظام‌های آموزشی باید راه کارهای اجرایی را پی‌گیری نمایند که موجبات تغییر رفتار مطلوب فرد را در پی داشته باشد (نادری و ابراهیمی، ۱۳۹۱).

اینک به بررسی اجمالی سه دیدگاه فردگرایان، جامعه‌گرایان و دیدگاه اسلام در مورد تربیت اجتماعی خواهیم پرداخت.

دیدگاه فردگرا: معتقد است که اجتماعی بودن انسان امری ثانوی و عارضی بر انسان است و انسان در بستر جامعه به ارضای نیازهای خود می‌پردازد، اما آنچه اولویت دارد فرد می‌باشد، لذا تربیت اجتماعی نیز به مفهوم مهیا نمودن افراد جامعه است تا بتوانند دیگران را به صورت مفید و سنجیده کنترل کنند. از دیدگاه فردگرایان، اجتماعی شدن فراگردی است که فرد به هویت نائل و با پذیرفتن هنجارها، ارزش‌ها، آرمان‌ها و شیوه‌های زندگی قادر به تحقق استعدادها بالقوه خود می‌شود (همان، ۱۳۸۲).

دیدگاه جامعه‌گرا: معتقد است که اجتماعی شدن به معنی هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها و هنجارها، برای هماهنگی و سازگاری با افراد دیگر جامعه است، پس هویت افراد در جامعه شکل می‌گیرد و بر همین اساس تربیت اجتماعی این گروه به معنای سازگار شدن افراد جامعه با معیارهای مورد نظر جامعه است، تا بتواند در فعالیت‌های جامعه شرکت کنند. جامعه‌پذیری به معنی هم‌سازی و هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها و هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی است (علاقه‌بند، ۱۳۸۲).

دانشمندان اسلامی معتقدند که انسان در ذات خود گرایش به زیستن با جمع را دارد. هر فرد انسانی به طور فطری اجتماعی است و این ویژگی اجتماعی به

کمک دو نیروی علم و اراده به تدریج به حد کمال می‌رسد (طباطبایی، ۱۳۶۰). لازم به ذکر است که نظر اسلام به نظر فردگرایان و جمع‌گرایان شبیه نیست، بلکه اسلام معتقد است انسان و زندگی اجتماعی وی هر دو مهم‌اند. به عنوان نمونه از میان متفکران اسلامی، استاد مطهری رحمته الله علیه به نظر سومی راجع به اصالت فرد و جامعه اشاره نموده و می‌نویسد: «اسلام هم فرد و هم جامعه را مهم می‌داند. چون وجود افراد را در جامعه حل شده نمی‌داند، اصالة‌الفردی است و از آن جهت که نوع ترکیب افراد از نظر مسائل روحی و فکری و عاطفی را از نوع ترکیب شیمیایی می‌داند که به واسطه آن افراد هویت جدید می‌یابند اصالة‌الجمعی است» (مطهری، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۳۳۹). اسلام دین عزلت‌گزینی و فردگرایی نیست، بلکه علاوه بر توجه به امور فردی، به مسائل اجتماعی نیز توجه دارد و این یکی از امتیازهای بزرگ دین خاتم است (مرزوقی و اناری نژاد، ۱۳۸۶). خداوند متعال در آیه‌های متعددی از جمله آل عمران، آیه شریفه ۱۰۳، حجرات، آیه شریفه ۱۰ و علی علیه السلام در خطبه ۵ و ۱۵۱ به مسأله اتحاد و هم‌بستگی و با هم بودن تأکید فرموده‌اند. حضرت علی علیه السلام به تربیت اجتماعی که انسان را به اصلاح رابطه‌اش با خداوند متعال و دیگران بکشانند، معتقد است (بهشتی و افخمی اردکانی، ۱۳۸۶). بنابراین می‌توان این گونه نتیجه گرفت که تربیت اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی همان مبانی نظری و آموزه‌های دینی و الهی است که در نهایت انسان را به سمت قرب الی‌الله هدایت می‌کند.

۴. اهداف تربیت اجتماعی و سیاسی در سند تحول بنیادین

در مبانی نظری سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران توجه خاص و ویژه‌ای به تربیت اجتماعی و سیاسی در کنار سایر ابعاد تربیت شده است که به اهم آنها اشاره می‌گردد.

- بازشناسی، حفظ و اصلاح آداب، رسوم، هنجارها و ارزش‌های جامعه در

پرتو نظام معیار اسلامی؛

— درک مناسب موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه و مواجهه خردمندانانه با تحولات اجتماعی و سیاسی براساس نظام معیار اسلامی، به منظور ساختن آینده‌ای روشن و تأثیرگذاری بر آینده خود و جامعه در سطح ملی و جهانی؛

— توسعه آزادی و مرتبه وجودی خویش و دیگران در پرتو درک و اصلاح موقعیت اجتماعی خود و دیگران و کسب صفاتی جمعی نظیر احسان، مهرورزی، انصاف، خیرخواهی، بردباری، وفاق، همدلی و مسالمت‌جویی؛

— تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی و کسب شایستگی‌هایی نظیر رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی و پاس‌داشت ارزش‌های اجتماعی در جهت شکل‌گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن براساس نظام معیار اسلامی؛

— بازشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی، همراه با توجه به نیازهای حال و آینده جامعه و تلاش جهت تحقق امت واحده اسلامی براساس نظام معیار اسلامی؛

— تلاش برای ارتقای ابعاد مشترک (انسانی، اسلامی و ایرانی) هویت خویش به طور یک‌پارچه و براساس نظام معیار اسلامی؛

— مشارکت جمعی مؤثر در حیات اجتماعی و سیاسی با رعایت اصول حق‌طلبی، حفظ کرامت و عزت، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، کسب و حفظ استقلال همه جانبه، مراعات حقوق و آزادی‌های مشروع دیگران، پیشرفت مردم‌سالاری دینی، بسط عدالت اجتماعی، حفظ وحدت و تفاهم ملی، تعامل میان فرهنگی و تفاهم بین‌المللی براساس نظام معیار اسلامی (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). مفاهیم و اشارات به کار رفته در مبانی نظری سند تحول بنیادین برگرفته از آموزه‌های اسلامی و قرآنی می‌باشد که رعایت تک تک آنها ضامن بقای جامعه خواهد بود.

۵. مروری بر مطالعات تجربی صورت گرفته

در زمینه دامنه تأثیرگذاری نظام آموزشی بر نگرش سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان مباحث و مجادلات فراوانی شده است. تحقیقاتی هم در این زمینه به صورت مستقیم و غیرمستقیم صورت گرفته است، اما به نظر می‌رسد در مقابل اهمیت و ضرورت موضوع بسیار اندک و ناچیز است.

دهقانی و امین خندقی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان تحلیلی بر وضعیت موجود طراحی برنامه درسی تربیت اجتماعی دوره راهنمایی بر مبنای تحلیل محتوای کتاب‌های درسی و اسناد مرتبط برنامه درسی، تعقل و تفکر در چهارچوب انتقال باورهای دینی را در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی یادآور می‌شوند.

نادری و ابراهیمی (۱۳۹۱) در تحقیقی که به بررسی رابطه برنامه درسی مطالعات اجتماعی با تربیت اجتماعی دانش‌آموزان پایه اول متوسطه پرداخته‌اند، نشان دادند که اهداف تربیت اجتماعی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی در حد قابل قبولی تحقق یافته است، اما در بعد سیاسی این گونه نبوده است.

حسینی (۱۳۸۲)، در مقاله‌ای با عنوان راهبردهای اساسی و روش‌های کارآمد در برنامه‌های آموزش و پرورش برای نیل به تربیت دینی مناسب دانش‌آموزان، عملکرد فعلی دستگاه تعلیم و تربیت را مناسب و موفق در امر تربیت دینی نمی‌داند و پیشنهاد اصلاح و بازنگری در روش‌ها و راهبردهای اساسی برای نیل به تربیت دینی اسلامی را ارائه و خود به چندین راه کار اشاره می‌کند.

محمدی و همکاران (۱۳۹۳) اصول تربیت اجتماعی مبتنی بر نظریه کنش ارتباطی هابرماس را در چند حوزه به این شرح استخراج کرده‌اند: اصل مشارکت متقابل و مؤثر در تشکیل جامعه مبتنی بر معرفت‌شناسی بین‌الذهانی، اصل آموزش براساس استدلال طرفینی، اصل تساهل و پرهیز از تحمل عقاید، اصل عقلانی شدن مناسبات آموزشی، اصل مسؤلیت‌پذیری، اصل آموزش تفاهم و توافق عملی، اصل آزادی در ابراز عقاید و نظریات، اصل رشد و پرورش تفکر

نقاد، اصل تقویت نگاه بین فرهنگی داشتن، اصل جهت‌دهی به وحدت اجتماعی و اصل عدالت و برابری اجتماعی.

آتشک و دیگران (۱۳۹۱)، در تحقیقی با عنوان بازتاب مفاهیم اخلاق جهانی در اهداف آموزش و پرورش ایران و پس از بررسی کتب درسی سه دوره تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه)، به چند گزاره مهم اشاره کرده‌اند؛ به مفهوم اخلاقی صلح‌بی‌توجهی کامل و به مفاهیم اخلاقی شأن و منزلت، گشاده‌رویی، بردباری، اعتماد، دوستی و رفاقت کم‌توجهی شده است و مفاهیم وفاداری، مسؤلیت‌پذیری، تعهد و وظیفه‌شناسی، احترام و ادب بیشترین میزان توجه را به خود اختصاص داده‌اند.

کربلایی پازوکی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان روش‌های تربیت اجتماعی از منظر ملا محسن فیض کاشانی، روش‌های تربیت اجتماعی را در نه بند با عناوین روش مهرورزی، احترام به دیگران، امر به معروف و نهی از منکر، موعظه، تغافل، اعتدال، آراستن ظاهر، تزئین کلام و روش مدارا نام می‌برد.

ملا سلمانی و همکاران (۱۳۸۹)، در تحقیقی که به بررسی مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه پرداخته است، به شکلی بسیار ظریف ویژگی‌های ذاتی انسان را در حیطه تربیت اجتماعی این‌گونه بر می‌شمارد: احسان، شرافت، غفلت‌پذیری، ضعف، تأثیرپذیری، کمال‌جویی و اندیشه‌ورزی.

سبحانی‌نژاد و رضایی فریمانی (۱۳۹۰) ماهیت تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی علیه السلام را در برگیرنده وجوهی همچون طبیعی و فطری، انسانی، درونی و خودانگیخته، آمیزه فرد و اجتماع، عمومی، فراگیر، دینی و توحیدی نشان داده است.

کلبعلی (۱۳۸۴)، در تحقیقی با عنوان «بررسی محتوای کتاب‌های دینی» تعلیمات اجتماعی و ادبیات فارسی مقاطع ابتدایی و راهنمایی، درباره آشناسازی

دانش‌آموزان با ارزش‌های اسلامی ایرانی، به این نکته اشاره می‌کند که در محتوای کتب تعلیمات اجتماعی به مسائل و ارزش‌های اجتماعی و موضوعاتی همچون واقعیت جامعه، فرهنگ و مسائل روز توجه شده است؛ اما به ارزش‌های بنیادین اسلامی و احکام آن به طور جدی نپرداخته است.

میرلوحی (۱۳۷۸) آموزش و پرورش ایران را در تحقق تربیت اجتماعی موفق نمی‌داند. وی در تطبیق آموزش و پرورش ایران با دیدگاه ژاک مارتین عنوان می‌کند که در مدارس و مراکز آموزشی ما به کار جمعی هدف‌دار در فعالیت آموزشی و پرورشی، به ندرت پرداخته می‌شود. سازمان‌دهی تدریس و نحوه ارزش‌یابی اغلب بر فعالیت‌های فردی دانش‌آموز استوار است.

از نتایج تحقیقات چنین برمی‌آید که توجه جدی به مقوله تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان در کنار سایر ابعاد تربیت، از جمله زیبایی‌شناختی، اخلاقی، عبادی، حرفه‌ای و اقتصادی از اهم وظایف دستگاه تعلیم و تربیت به شمار می‌آید. کوتاهی در این زمینه چه بسا صدمات و زیان‌هایی را به بار آورد که در کوتاه مدت و حتی میان مدت قابل جبران نباشد.

۶. شایستگی‌های مورد نیاز معلمان در تربیت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان

همان‌گونه که بیان شد تربیت اجتماعی و سیاسی در آموزه‌های اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین اصول و شاخص‌های مورد نیاز معلمان که در تربیت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان مهم شمرده خواهند شد، اشاره می‌گردد:

۱-۶. تربیت اخلاقی و ایمانی

قرآن کریم محور دعوت پیامبران علیهم‌السلام، به ویژه حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، را تربیت و تکمیل فضایل اخلاقی و ایمانی قرار داده است. آنچه به انسان ارزش والا می‌دهد

و هدف‌های عالی می‌بخشد و او را انسان به معنی حقیقی می‌سازد، تربیت ایمانی و اخلاقی است، نه علم و ابزار زندگی. تمامی مکاتب الهی و بشری این اصل را پذیرفته‌اند که در صورتی می‌توان به جامعه، نظم و ثبات بخشید که حقوق و تکالیفی که برای انسان‌ها در نظر گرفته شده است، به خوبی مورد عمل قرار گیرد که این تنها در سایه تربیت صحیح محقق خواهد شد (سبحانی‌نژاد و رضایی فریمانی، ۱۳۹۰). تربیت اخلاقی در دین اسلام جایگاه ویژه و والایی دارد، به گونه‌ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هدف بعثت خود را تتمیم مکارم اخلاقی بر شمرده‌اند، یا امام صادق علیه السلام ملاک کمال ایمان را پای‌بندی به ارزش‌های اخلاقی دانسته‌اند. قرآن کریم، تزکیه نفوس را در جایگاه یکی از اهداف رسالت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله ذکر فرموده است (معصومی‌نیا، ۱۳۸۶). از منظر حضرت علی علیه السلام، آنچه مایه برتری آدمیان و سبب والایی شأن است، کرامت اخلاقی است و این کرامت‌ها در اداره امور نقشی اساسی دارد. روایت شده که آن حضرت علیه السلام فرمود: «بر شما باد به مکارم اخلاق که آن سبب والایی است»، والایی مردمان و اعتبار آنان به مکارم اخلاق در آنان است و کسانی که در جایگاه اداره امور قرار می‌گیرند، بیش از هر چیز به مکارم اخلاق و بزرگواری‌های انسانی نیازمندند که روابط انسان‌ها بدون کرامت‌های اخلاقی، روابط خشک و نادرست خواهد شد (به نقل از آقامحمدی، ۱۳۹۱). با این تفاسیر مشخص می‌شود که مهم‌ترین اصل در تربیت اجتماعی و سیاسی، که افراد باید دارای آن باشند تا بتوانند تأثیرگذار باشند و خود، این اصل را اشاعه دهند، همان ایمان و اخلاق حسنه خواهد بود که مکرر در آموزه‌های اسلامی بر آن تأکید فراوان شده است.

۲-۶. مسؤولیت‌پذیری

خداوند متعال در سوره مبارکه توبه می‌فرماید: مردان و زنان مؤمن از یکدیگرند، دیگران را به عمل پسندیده و سودمند وامی‌دارند و از اعمال ناپسند باز می‌دارند

(توبه/۷۱). نقش هر فردی در تعیین سرنوشت جامعه‌اش و بازتابی که اعمال دیگران در سرنوشت او دارد و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که وی ناظر و مراقب همهٔ اموری باشد که در اطراف او و در جامعه‌اش اتفاق می‌افتد. زیربنای ساختن اجتماعی که از شهروندانی مطابق با آنچه در تعریف از تربیت سیاسی آمد بهره‌مند باشد، چیزی جز افرادی با دانش و متفکر نیست (جراحی دربان و همکاران، ۱۳۹۳). بنابراین یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معلمان در عصر حاضر جهت تأثیرگذاری بر بینش سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان همان مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی است.

۳-۶. عدالت تربیتی

﴿إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾ (مائده/۸)؛ عدالت را پیشه خود سازید، زیرا که عدالت به تقوا و پاکی انسان نزدیک‌تر است. قرآن کریم با بیانی رسا استقرار عدالت و گسترش آن را یکی از اهداف مهم بعثت پیامبران ﷺ بیان نموده و آن را از صفات الهی و بارزترین خصیصهٔ آفرینش و نیکوترین خصلت انسانی معرفی نموده است (جراحی دربان، ۱۳۹۳). در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در حوزهٔ عدالت تربیتی به شاخص‌های مهمی اشاره شده است که در نظام تعلیم و تربیت باید سرلوحهٔ کار و فعالیت قرار گیرد:

- تنوع بخشی به فرصت‌های تربیتی، متناسب با استعدادهای مختلف متربیان؛
- توجه به نیازهای ویژهٔ تربیتی گروه‌های مختلف، با توجه به تفاوت‌های فردی؛

- برقراری روابط عادلانه در محیط مدرسه و آموزشگاه (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). شیوه و نوع برخورد و تعامل معلم با دانش‌آموزان بر ایجاد و رشد نگرش‌های سیاسی آنان تأثیر می‌گذارد. هنگامی که معلم با دانش‌آموزان به گونه‌ای منصفانه برخورد کرده و نسبت به دیدگاه‌ها و مشکلات آنها توجه و علاقمندی نشان می‌دهد، دانش‌آموزان نیز به لحاظ سیاسی کم‌تر دچار بی‌تفاوتی

و بدینی می‌گردند (راسل و هاوولی^۴، ۱۹۸۱) عدالت اساسی‌ترین ارزش اخلاقی و اجتماعی در نظام اسلامی و به نوعی عامل بقای جامعه است. با توجه به این اصل مهم در حوزه تربیت اجتماعی و سیاسی و تأکید ویژه آموزه‌های اسلامی بر این مقوله مهم و اثرگذار و این که قرآن کریم با صراحت تمام یکی از اهداف مهم بعثت پیامبران علیهم‌السلام را استقرار عدالت و گسترش آن اعلام فرموده است؛ می‌توانیم بر این نکته تأکید کنیم که از اصول اساسی صلاحیت و شایستگی معلمان جهت تأثیرگذاری بر دانش‌آموزان همین عدالت‌محوری خواهد بود.

۴-۶. داشتن بصیرت و دوراندیشی

نبود بینش و آگاهی در مورد کارهایی که انسان انجام می‌دهد، به خصوص اعمال فردی و اجتماعی، حائز اهمیت فوق‌العاده بوده و در صورت نبود بینش کافی به ویژه در برهه‌های حساس زندگی، آدمی را تا مرحله افتادن در پرتگاه‌ها و خروج از صراط مستقیم الهی پیش می‌برد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: کور آن نیست که چشمش نابینا باشد، بلکه کور واقعی آن کسی است که دیده بصیرتش کور باشد (گودرزی و طهماسبی، ۱۳۹۱). حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: به راه‌های چپ و راست رفتند، و راه ضلالت و گمراهی را پیمودند، و راه روشن هدایت را گذاشتند (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۵۰). انسان بینا کسی است که به درستی شنید و اندیشه کرد، پس به درستی نگریست و آگاه شد، و از عبرت‌ها پند گرفت، سپس راه روشنی را پیمود، و از افتادن در پرتگاه‌ها، و گم شدن در کوره راه‌ها دوری کرد (همان، خطبه ۱۵۲). پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که الگو و مقتدای جهانیان است، مأمور بود هدایت و رهبری‌اش براساس بصیرت باشد: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (یوسف/۱۰۸)؛ ای پیامبر بگو راه و روش من و هر آن که از من پیروی می‌کند، این است که براساس آگاهی و بصیرتی ویژه به سوی خدا دعوت

می‌نمایم و خداوند پاک و منزّه است و من از مشرکان نیستم. این آیه و ده‌ها آیه دیگر در قرآن، نشان از اهمیت بصیرت و روشن‌بینی دارد. بصیرت در آموزه‌ها و فرهنگ قرآنی حالتی است که به انسان توانایی تشخیص درست حقایق و تحلیل واقعیت‌ها را می‌دهد. از این رو در قرآن کریم به مسأله بصیرت در ابعاد مختلف آن توجه شده است، زیرا با بصیرت است که انسان موقعیت خود را می‌سنجد و نسبت به آن واکنش مناسب نشان می‌دهد؛ ﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ (یوسف/۱۰۹). در جای دیگری می‌فرماید: ﴿انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ (انعام/۲۴). بصیرت توانایی تیزبینی و کشف حقیقت در میان انبوه حق و باطل است. بصیرت هنر است، یک فن است که فرد در دوران غبارآلود شدن فضا، نه تنها بتواند حق را از باطل بشناسد، بلکه باطلی را که حق را با خود ممزوج کرده در فضایی غبارآلود درک کند (آقامحمدی و ملکی، ۱۳۹۳). با این تفاسیر، داشتن بصیرت و دوراندیشی یکی از ویژگی‌های بنیادین معلمان در تربیت سیاسی دانش‌آموزان خواهد بود. به طور طبیعی اگر معلمی بصیر، آگاه و عالم به زمان و مکان نباشد نمی‌تواند دانش‌آموزانی دوراندیش و آگاه تربیت کند. جامعه آگاه نتیجه کار معلمان بصیر است.

۵-۶. ظلم‌ستیزی و نفی استکبار

انسان موجودی دو بعدی است که به طور فطری کمال خواه است. تبعیت نور و هدایت الهی، انسان را به کمال مطلوب می‌رساند و تبعیت شیطان و هوای نفس انحطاط انسان را به دنبال دارد (آقامهدوی و نادری باب اناری، ۱۳۹۰). قرآن کریم در آیات فراوانی به بیان مقابله دو جبهه کفر و ایمان می‌پردازد و به مسأله نفی استکبار و استکبارستیزی اشاره فرموده‌اند. نباید ظلم کنید و نباید به ظلم تن در دهید (بقره/۲۷۹). هرگز خداوند راهی برای سلطه کافران بر مؤمنان قرار نداده

است (نساء/۱۴۱). کسانی که پس از ستم‌زدگی به پیروزی می‌رسند دیگر راه سلطه‌ای بر آنها نیست (شوری/۴۱). قرآن کریم با صراحت تمام اعلام فرموده است که نه ظلم کنید و نه اجازه دهید که به شما و دیگران ظلمی روا داشته شود. در دین مبین اسلام فراوان در مورد ظلم‌ستیزی و استکبارزدایی صحبت شده است. بنابراین اگر مبنا را آموزه‌های اسلامی در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان قرار دهیم، استکبارستیزی و ظلم‌زدایی و نفی ستم یکی از مهم‌ترین اصول و شاخص‌ترین سلاح در حوزه تربیت سیاسی است که معلمان ما باید از آن برخوردار باشند.

۶-۶. اعتدال و میانه‌روی

اعتدال در لغت به معنای میانه‌روی آمده است، یعنی حد وسط. در آیات و روایات نیز در مورد اعتدال سخن به میان آمده است. خداوند متعال در سوره بقره، آیه ۱۴۳، امت خود را میانه و معتدل معرفی می‌فرماید. هر حرکت و فعل تربیتی باید بر اعتدال استوار باشد و از حد وسط بیرون نرود و به افراط و تفریط کشیده نشود تا حرکت و فعلی مطلوب باشد. آئین تربیتی دین به اعتدال در هر امری فرامی‌خواند و مجموعه قوانین و مقررات و آداب دینی به گونه‌ای است که انسان‌ها متعادل تربیت شوند. خدای متعال امت اسلامی را امتی متعادل و با هویت معرفی می‌کند و نمونه‌ای را که این امت باید خود را با او تطبیق دهد و در پی او رود، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معرفی می‌نماید. ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ الشَّهِيداً﴾ (بقره/۱۴۳). امت میانه یعنی امتی که در هیچ امری از امور، خواه نظری و خواه عملی، افراط و تفریط نمی‌کند و همه برنامه‌هایش در حد اعتدال است. بسیار واضح و روشن است که داشتن اعتدال و میانه‌روی باید از صلاحیت‌های معلمی به حساب آید و اگر این روی‌کرد در نظام تعلیم و تربیت کشور حاکم شود، آینده‌ای به دور از افراط و

تفریط انتظار ما را خواهد کشید.

۷-۶. آراستگی باطنی و ظاهری

آراستگی مبین این امر است که در جریان تربیت، باید صورت هر آنچه که عرضه می‌شود را نیک آراست، تا رغبت‌ها در مرتبی برانگیخته شود. البته در اصل آراستگی، می‌توان از دو نوع آراستگی از بعد روانی - درونی و از بعد واقعیت خارجی در موضوع تربیت بحث نمود. منظور از آراستگی باطنی همان آراستگی در نیت و باطن هر عمل است که شخص در درون خود، قصد انجام کاری می‌کند. طبق این اصل باید مرتبی به گونه‌ای تربیت شود که قصد و نیت باطنی‌اش را صاف، پاک و الهی گرداند. حضرت علی علیه السلام در بیان تأثیر زیبایی و آراستگی بیرون و درون چنین می‌فرماید: و بدان که هر ظاهری باطن مناسب با خود دارد، آنچه ظاهرش پاکیزه است، باطنش پاکیزه است و آنچه ظاهرش پلید، باطن آن هم پلید است (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴). امر آراستگی به امور باطنی و ظاهری به قدری مهم است که حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۹۳ داشتن آن را از شروط و ویژگی‌های پرهیزگاران می‌داند. تربیت اجتماعی موفق و همه جانبه‌نگر، سعی می‌کند به گونه‌ای شرایط را مهیا سازد که مریان و متریان، هم در ظاهر و هم در باطن خویش به یک آراستگی شایسته و مناسب شخصیت کریمانه انسانی دست یابند و در سایه همین آراستگی، افراد به بهترین وجه ممکن سعی خواهند نمود آراستگی ظاهر و باطن خود را حفظ نمایند (بهشتی و افخمی اردکانی، ۱۳۸۶). بنابراین اگر خواهان تعلیم و تربیتی مترقی هستیم باید شرایط و محیطی فراهم گردد که معلمان ما بتوانند خود را به اصل آراستگی درونی و برونی مجهز سازند تا خود بتوانند بر متریان منشأ اثر باشند.

۸-۶. قانون‌پذیری به جای قانون‌گریزی و خودمحموری

یکی از اهداف تربیت سیاسی و اجتماعی، تقویت روحیه قانون‌پذیری به جای

قانون‌گریزی و خودمحموری است. این که هر فرد بتواند به دور از از سلیقه و منافع شخصی، قانون را آن گونه که هست و نه آن گونه که می‌خواهد گردن نهد. بنابراین، تربیت سیاسی و اجتماعی در قلمرو قانون‌گرایی و قانون‌مداری نوعی آموزش پایدار و مؤثر است که در آن فراگیران، قانون را محور زندگی فردی و جمعی خود قرار می‌دهند. اگر جامعه‌ای به این حد از توسعه‌یافتگی و فرهیختگی برسد که قوانین و مقررات اخلاقی و اجتماعی را درونی کند، دیگر شاهد ظهور مشکلاتی همچون دور زدن قانون و خودخواهی و خودمحموری نخواهیم بود (کریمی، ۱۳۸۸). در قرآن کریم خداوند متعال در آیات متعددی (طه/۵۰؛ اعلیٰ/۳؛ بقره/۲۱۳؛ نساء/۱۶۵؛ اعراف/۲۹؛ نحل/۹۰؛ مدثر/۳۶ و اسراء/۹) به نظم و انضباط و قانون‌مندی و رعایت آن تأکید فراوان داشته‌اند. جامعهٔ قانون‌مدار را انسان‌های قانون‌مند تشکیل می‌دهند و در این رابطه نقش مراکز آموزشی، به ویژه معلمان، بسیار برجسته است. معلمی که خود مصلحت جامعه را بر آرمان‌های فردی و شخصی و نظم اجتماعی و قانون‌مداری را بر بی‌نظمی و قانون‌گریزی ترجیح می‌دهد، خدمات شایان توجهی را در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان انجام داده است و به عقیدهٔ بندورا، روان‌شناس برجستهٔ معاصر، اکثر یادگیری‌ها از طریق مشاهدات صورت خواهد گرفت.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح شده در مقاله، نکات زیر قابل توجه و تأمل می‌باشند:

- تحقیقات مناسبی در زمینهٔ تربیت سیاسی و اجتماعی صورت گرفته است که هر کدام از آنها از زوایای خاصی به مسأله نگریده‌اند، اما تاکنون تحقیقی با این عنوان یا صورت نگرفته است و اگر هم صورت گرفته باشد، توسط نویسندگان متن حاضر یافت نشد، بنابراین، این مقاله با دیدی تحلیلی و نسبتاً جامع به مسأله نگاه کرده و از حداقل شایستگی‌های معلمان در حوزهٔ تربیت سیاسی و اجتماعی نام برده است.

— در حوزه تربیت سیاسی از چهار روی کرد محافظه کاری، انتقادی، دموکراتیک و پست مدرن سخن به میان آمد و هر کدام از این روی کردها از زاویه دید خود به قضیه می‌نگرند و البته هر چهار دیدگاه تک‌بعدی به مسأله نگریده‌اند. از سوی دیگر دیدگاه اسلام، به زعم نویسندگان مقاله حاضر، با نگاهی کامل‌تر و جامع‌تر به موضوع تربیت سیاسی نگریده‌است و بهترین دلیل این مدعا اشاراتی است که در قرآن کریم و متون معتبر اسلامی به آنها رجوع شده است.

— در حوزه تربیت اجتماعی، سه روی کرد فردگرایی، جامعه‌گرایی و سپس دیدگاه اسلام نسبت به مسأله تربیت اجتماعی بیان گردید و روی کرد فردگرایی و جامعه‌گرایی نیز همانند رویکردهای تربیت سیاسی جامع و مانع به حوزه تربیت وارد نشده‌اند و در این بین دیدگاه اسلام هم فردیت را دیده است و هم جمع را نشانه رفته است و از این جهت می‌توان گفت جامع‌تر به مسأله تربیت نگاه کرده است.

— نویسندگان مقاله با کنکاش در متون معتبر، به ویژه با تکیه بر قرآن کریم و نهج‌البلاغه، به چند شاخص در زمینه تربیت سیاسی و اجتماعی اشاره و هر کدام از آنها را برای معلمان مهم و بلکه ضروری می‌دانند که عبارتند از تربیت اخلاقی و ایمانی، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌تربیتی، داشتن بصیرت و دوراندیشی، ظلم‌ستیزی و نفی استکبار، آراستگی باطنی و ظاهری، قانون‌پذیری به جای قانون‌گریزی و خودمحوری و اعتدال و میانه‌روی، هم در گفتار و هم در رفتار.

پی‌نوشت‌ها

1. Competency
2. Mc Clelland
3. Boyatzis
4. Vodruf
5. Soule
6. Conservative approach
7. Silberman
8. Critical approach

9. Scurati
10. Democratice approach
11. Dewey
12. Postmodernism
13. Slattery
14. Rossel & Howley

منابع و مأخذ

• قرآن کریم.

۱. آتشک، محمد و دیگران (۱۳۹۱)، «بازتاب مفاهیم اخلاق جهانی در اهداف آموزش و پرورش ایران»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هفتم، شماره ۲.
۲. آقا محمدی، جواد (۱۳۹۱)، «بررسی شاخصه اخلاق اسلامی و مؤلفه‌های آن در برنامه درسی مدارس متوسطه (مطالعه موردی کتب علوم اجتماعی)»، فصلنامه علمی ترویجی اخلاق، سال دوم، شماره ۸.
۳. آقا محمدی، جواد و ملکی، حسن (۱۳۹۳)، «بررسی جایگاه عقلانیت و مؤلفه‌های آن در برنامه درسی دوره متوسطه دوم با تأکید بر آموزه‌های اسلامی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۱۲.
۴. آقا مهدوی، اصغر و نادری باب اناری، مهدی (۱۳۹۰)، «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ روی کردی قرآنی»، فصلنامه دانش سیاسی، سال هفتم، شماره ۲، پیاپی ۱۴.
۵. ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۶)، فلسفه تربیت، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۶. امینی، محمد و همکاران (۱۳۸۸)، «بررسی اثربخشی برنامه درسی تربیت سیاسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان شهر کاشان»، دانش و رفتار، سال شانزدهم، شماره ۳۶.
۷. باقری، خسرو (۱۳۷۵)، «تعلیم و تربیت از منظر پست مدرنیسم»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال دوم، شماره ۴-۱.
۸. بهشتی، سعید و اردکانی محمد علی (۱۳۸۶)، «تربیت اسلامی»، سال دوم، شماره چهارم.
۹. جراحی دربان، مهدی؛ بابازاده، مجید و رودمقدس، رضاعلی (۱۳۹۳)، «مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی در اسلام از منظر قرآن»، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۱.
۱۰. جی، کارتلج و جیاف، میلبرن (۱۳۶۹)، آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان، ترجمه محمد حسین نظری‌نژاد، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۱. حاجی ده‌آبادی، محمد علی (۱۳۷۷)، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، تهران، دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی.
۱۲. حجتی، سید محمد باقر (۱۳۸۵)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۳. حسینی، افضل‌السادات (۱۳۸۲)، *راهبردهای اساسی و روش‌های کارآمد در برنامه‌های آموزش و پرورش برای نیل به تربیت دینی مناسب دانش‌آموزان*، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، جلد دوم، تهران، مؤسسه فرهنگی محراب قلم.
۱۴. دشتی، محمد (۱۳۷۹)، *ترجمه نهج البلاغه حضرت علی (ع)*، قم، نشر مشرقین.
۱۵. دهقانی، مرضیه و امین خندقی، مقصود (۱۳۹۰)، «تحلیل بر وضعیت موجود طراحی برنامه درسی تربیت اجتماعی دوره راهنمایی بر مبنای تحلیل محتوای کتاب‌های درسی و اسناد مرتبط برنامه درسی»، *مجله پژوهش‌های برنامه درسی*، دوره اول، شماره دوم.
۱۶. رشیدپور، مجید (۱۳۷۰)، *مبانی اخلاق اسلامی*، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۱۷. رمضانی، فاطمه و حیدری، مسعود (۱۳۹۱)، «روش‌های تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه»، *مجله پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، سال نهم، دوره دوم.
۱۸. روحانی، فواد (۱۳۶۰)، *جمهور افلاطون*، تهران، نشر کتاب.
۱۹. رهنما، اکبر و همکاران (۱۳۸۷)، «بررسی تحلیلی مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی از منظر امام علی (ع) در نهج البلاغه»، *دانشور رفتار*، سال پانزدهم، دوره جدید، شماره ۳۰.
۲۰. سبحانی‌نژاد، مهدی و رضایی فریمانی (۱۳۹۰)، «ماهیت تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، سال نوزدهم، دوره جدید، شماره ۱۳.
۲۱. سلحشوری، احمد و همکاران (۱۳۹۱)، «مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، *پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، سال دوم، شماره ۵.
۲۲. شریعتمداری، علی (۱۳۸۱)، *جامعه و تعلیم و تربیت*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۳. شریفی، عالیه (۱۳۹۴)، «نقش معلم در تربیت دینی دانش‌آموزان»، *ماهنامه تربیت*، سال بیست و نهم، شماره ۲۸۴.
۲۴. شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۷۶)، *فلسفه آموزش و پرورش*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۰)، *روابط اجتماعی در اسلام*، ترجمه حجتی کرمانی، تهران، انتشارات بعثت.
۲۶. علاقه‌بند، علی (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، چاپ سی و دوم، تهران، نشر روان.
۲۷. فریره، پائولو (۱۳۸۵)، *آموزش ستم‌دیدگان*، ترجمه احمد بیرشک و سیف‌الله داد، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
۲۸. فقیرپور، مقصود (۱۳۸۹)، *راهنمای ایفای نقش تربیتی*، رشت، انتشارات بلور.
۲۹. کربلایی یازوکی، علی (۱۳۸۷)، «روش‌های تربیت اجتماعی از منظر ملا محسن فیض کاشانی»، *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، سال چهارم، شماره ۱۳.

۳۰. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۸)، *تعلیم و تربیت به کجا می‌رود؟ از ناکجا به هر کجا*، تهران، انتشارات عابد.
۳۱. کلبعلی، ایراندخت (۱۳۸۴)، «بررسی محتوای کتاب‌های دینی، تعلیمات اجتماعی و ادبیات فارسی مقاطع ابتدایی و راهنمایی در رابطه با ارزش‌های اسلامی ایرانی»، فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، سال دوم، شماره ۳.
۳۲. گودرزی، عباس و طهماسبی، کتاب علی (۱۳۹۱)، «نقش بصیرت در پرورش نظامی»، نشریه امنیت پژوهی، دوره یازدهم، شماره ۳۷.
۳۳. محمدی، آزاد و همکاران (۱۳۹۳)، «اصول و روش‌های تربیت اجتماعی مبتنی بر نظریه کنش ارتباطی هابرماس»، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، سال چهارم، شماره ۲.
۳۴. مرزوقی، رحمت‌الله و اناری نژاد، عباس (۱۳۸۶)، «تربیت اجتماعی از منظر نهج‌البلاغه»، مجله تربیت اسلامی، سال دوم، شماره ۴.
۳۵. معصومی‌نیا، غلام‌علی (۱۳۸۶)، «اخلاق اقتصادی (مبانی بینشی، آموزه‌ها و آثار)»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۶.
۳۶. معین، محمد (۱۳۶۴)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۳۷. ملاسلمانی، فرشته و همکاران (۱۳۸۹)، «بررسی مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه»، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، سال ششم، شماره ۱۷.
۳۸. ملکی، حسن و همکاران (۱۳۷۸)، *راهنمای برنامه درسی مطالعات اجتماعی متوسطه، گروه علوم اجتماعی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی*، تهران، نشر پیام اندیشه.
۳۹. منصوری، جواد (۱۳۷۷)، *آموزش و تربیت سیاسی*، تهران، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۰. میرلوحی، سید حسین (۱۳۷۸)، «هفت انتقاد به تعلیم و تربیت جدید (تطبیق آموزش و پرورش ایران با دیدگاه ژاک مارتین)»، تهران، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۵۸.
۴۱. نادری، عزت‌الله و ابراهیمی، اکبر (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه برنامه درسی مطالعات اجتماعی با تربیت اجتماعی دانش‌آموزان پایه اول دوره متوسطه در شهرستان‌های استان تهران»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۶.
۴۲. نقیب‌زاده، میرعبدالحسین (۱۳۸۱)، *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، تهران، کتابخانه طهوری.
۴۳. وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، *مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*، تهران، وزارت آموزش و پرورش.

1. Boyatzis, R. E. (2009), "Competencies as a Behavioral Approach to Emotional Intelligence", Emerald-Journal of Management Development, Vol. 28, No. 9.
2. Dewey. J. (1960), *Democracy & Education*, New York, Macmillan Comoany.
3. Oxford Dictionary (2005), London, Oxford University press.
4. Scurati. C. (1998), *Education to social Civic and political values in the*

- Italian pedagogical thought*, paper presented at the international conference on the development of civic responsibility among youth, Urbino, Italy.
5. Silberman. C. E. (1971), *Crisis in the classro: the remaking of Amrican education*, Random house INC. USA.
 6. Slattery, P. (1995), *Curriculum development in the postmodern Era*, Garland Publishing, INC, New York and London.
 7. Rossel , Christine H. Hawley, willis D. (1981), *The relationship between teacher behavior toward students and student political attitudes: The development of political cynicism*, Available at: [http: // www.eric.ed. gov /](http://www.eric.ed.gov/) ERIC Web Portal.